

## معنی کلمات درس دوم فارسی نهم

### به همراه معنی شعر پرواز و آرایه های ادبی

آیات: جمع آیه، نشانه ها، علامت ها، هر عبارت قرآن که بدان وقف کنند

اندر: در

باید: بایسته است، لازم است

بحر: دریا

بدان: آگاه باش

بر: خشکی

بساط: هر چیز گسترنی، فرش

تفکر کن: فکر کن، بیندیش

جمال: زیبایی

جوانب: جمع جانب، جهت، اطراف، سمت

جواهر: جمع جوهر، سنگ های قیمتی

چون: چگونه

حق تعالی: خدای بلند مرتبه

لبیا: نوعی پارچه روی رنگارنگ

سریر ملک: تخت پادشاهی

سقف بی ستون: منظور آسمان است

صنع: آفرینش، احسان، ساختن و نیکویی کردن

صورت: ظاهر

عالم: دنیا

عجایب: جمع عجیب، شگفتی ها

علامات: جمع علامت، نشانه ها

غافل: بی خبر

غلامان: خدمتگزاران

فراخ: گسترده، گشاده

قصر: کاخ

قتاعت: خرسند بودن به مقدار کم، خشنود بودن از آنچه که روزی انسان است

قنیل: مشعلی که از سقف آویزان کنند، چراغدان، چراغ آویز

قوس قزح: رنگین کمان

متحیر: شگفت زده، حیران، سرگشته

مختصر: کوتاه، ناچیز، کوچک

مدهوش: متعجب، شگفت زده

معادن: جمع معدن

معرفت حق تعالی: شناخت خداوند بلند مرتبه

ملک: پادشاه

میغ: ابر

نباتات: جمع نبات، گیاهان

نظر کن: نگاه کن

نمی گنجد: جا نمی گیرد

نهر: رود

وجود: دنیا، هستی

## معنی کلمات شعر پرواز

بهر: برای

پيله: چیزی که کرم ابریشم به دور خود می تند

تندیدن: تار بافتن کرم ابریشم یا عنکبوت، تاب دادن، بافتن

جستند: رها شدند

رستن: رها شدن، نجات یافتن

فروتنی: تواضع، افتادگی

محبس: زندان

منحنی: خمیده

منزوی: گوشه نشین، آنکه از مردم کناره می گیرد

وارهم: رها شوم، آزاد شوم

همسال: هم سن

## معنی شعر پرواز فارسی نهم

در پيله تا به کی بر خويشتن تنی پرسيد کرم را ، مرغ از فروتنی

مرغ از روی تواضع و فروتنی از کرم پرسيد، تا کی در پيله خود می مانی و در آنجای تنگ و تاریک به دور خود تار میبافی؟

تا چند منزوی در کنج خلوتی در بسته تا به کی در محبس تنی

تا چه زمان میخوای در گوشه ای تنها بنشینی و در زندان پيله و تن، خودت را محبوس کنی؟

در فکر رستم - پاسخ بداد کرم - خلوت نشسته ام زین روی منحنی

کرم پاسخ داد، در فکر رهایی و پرواز می باشم؛ به این خاطر خلوت و تنهایی اختیار کردم و به دور خودم پیچیدم.

هم سالهای من پروانگان شدند جستند از این قفس ، گشتند دیدنی

هم سن و سالان من به پروانه تبدیل شدند و از این قفس ( پيله ) رهایی یافتند و تماشایی شدند.

در حبس و خلوتم تا وارهم به مرگ یا پر برآورم بهر پریننی

خود را زندانی کردم و در خلوت نشسته ام که یا با مرگ خلاص شوم یا برای پرواز پر به دست بیاورم و پروانه شوم.

اینک تو را چه شد کای مرغ خانگی کوشش نمیکنی، پری نمیزنی

ای مرغ خانگی، برای تو چه اتفاقی رخ داده است که نه در فکر پرواز هستی و نه تلاش می کنی!

### آرایه های ادبی:

این شعر مناظره و تشخیص است به این علت که کرم و مرغ با هم صحبت می کنند و این کار در عالم واقعیت وجود ندارد.